پاسخ اول

۱. و اذا رأو تجارة...ترکوک قائماً

اولاً به شما بگویند یک منبری است که وقتی منبر می رود، این قدر منبرش خوب است که همه را جذب می کند، سکوت حاکم است حتی بچه ها هم احساس گرسنگی نمی کنند، ... حال آیه قرآن- شما که قرآن را قبول دارید. سنّی ها می گویند اصلاً قرآن برای ماست!- می گوید: «**و اذا راوا تجارة او لهوا انفضّوا الیها و ترکوک قائماً**[1]» ! پس لابد حضرت مشکل داشتند! حتماً خطبه ی گرم و جذابی نبوده ! اگر جذابیت داشت که مردم نمی رفتند !

---

[1] سورة الجمعة، آیه ۱۱

در شأن نزول این آیه گفته شده است: [1][1]- أخبرنا الأستاذ أبو طاهر الزيادي، أخبرنا أبو الحسن علي بن إبراهيم، أخبرنا محمد بن مسلم بن وارة، أخبرنا الحسن بن عطية، حدثنا إسرائيل، عن حصين بن عبد الرحمن، عن أبي سفيان، عن جابر بن عبد الله، قال:كان رسول الله صلى الله عليه و سلم يخطب يوم الجمعة، إذ أقبلت عير قد قدمت [من الشام] فخرجوا إليها حتى لم يبق معه إلا اثنا عشر رجلا. فأنزل الله تبارك و تعالى: و إذا رأوا تجارة أو لهوا انفضوا إليها و تركوك قائما.

رواه البخاري، عن حفص بن عمر، عن خالد بن عبد الله، عن حصين.

قال المفسرون: أصاب أهل المدينة جوع و غلاء سعر، فقدم دحية بن خليفة الكلبي في تجارة من الشام، و ضرب لها طبل يؤذن الناس بقدومه، و رسول الله صلى الله عليه و سلم يخطب يوم الجمعة، فخرج إليه الناس و لم يبق في المسجد إلا اثنا عشر رجلا منهم أبو بكر و عمر. فنزلت هذه الآية، فقال النبي صلى الله عليه و سلم: و الذي نفس محمد بيده! لو تتابعتم حتى لم يبق أحد منكم، لسال بكم الوادي نارا.(اسباب نزول القرآن ، ص 448-449)

تکیه این شبهه بر تعداد اندک افراد قبول شده در امتحانات بعد از رسول خداست. (ارتد الناس الا ثلاثة)این تعداد اندک مسبوق به سابقه است و باراه در تاریخ مسلمانان نه در روایات شیعه که در معتبرترین کتب اهل سنت تکرار شده است. در مقابل عدد سه که روی آن مانور داده می شود، می توان به عدد دوازده که خود مضرب چهارم این عدد و اشاره کننده به جمعیت بسیار اندکی است اشاره نمود. کلیدواژه مناسب برای جستجوهای معجمی در این باب عبارتند از:«**الا اثناعشر**» یا «اثنی عشر» یا «غیر اثنی عشر»

«الا اثناعشر»موارد تخلف چشمگیر اصحاب در کتب اهل سنت:

۱. مورد اوّل همین ماجرای **«روز الجمعة»** است که بنا به قول متفق علیه نزد اهل سنت تنها دوازده نفر با حضرت باقی ماندند:

۸۹٤ - حدثنا معاوية بن عمرو قال: حدثنا زائدة، عن حصين، عن سالم بن أبي الجعد قال: حدثنا جابر بن عبد الله قال:بينما نحن نصلي مع النبي صلى الله عليه وسلم، إذ أقبلت عير تحمل طعاما، فالتفتوا إليها حتى ما بقي مع النبي صلى الله عليه وسلم إلا اثنا عشر رجلا، فنزلت هذه الآية: {وإذا رأوا تجارة أو لهوا انفضوا إليها وتركوك قائما}.[١٩٥٣، ١٩٥٨، ٤٦١٦](صحيح البخاري ت البغا، ج 1، ص316 -317)

١٩٥٨ - حدثني محمد قال: حدثني محمد بن فضيل، عن حصين، عن سالم بن أبي الجعد، عن جابر رضي الله عنه قال: أقبلت عير ونحن نصلي مع النبي صلى الله عليه وسلم الجمعة، فانفض الناس إلا اثني عشر رجلا، فنزلت هذه الآية: {وإذا رأوا تجارة أو لهوا انفضوا إليها وتركوك قائما}.(كتاب صحيح البخاري ت البغا، ج ٢، ص728)

(١١) باب في قوله تعالى: {وإذا رأوا تجارة أو لهوا انفضوا إليها وتركوك قائما}.

٣٦ - (٨٦٣) حدثنا عثمان بن أبي شيبة وإسحاق بن إبراهيم. كلاهما عن جرير. قال عثمان: حدثنا جرير عن حصين بن عبد الرحمن، عن سالم بن أبي الجعد، عن جابر بن عبد الله؛أن النبي صلى الله عليه وسلم كا ن يخطب قائما يوم الجمعة. فجاءت عير من الشام فانفتل الناس إليها. حتى لم يبق إلا اثنا عشر رجلا. فأنزلت هذه الآية التي في الجمعة: {وإذا رأوا تجارة أو لهوا انفضوا إليها وتركوك قائما}. [٦٢ /الجمعة /الآية ١١](كتاب صحيح مسلم ت عبد الباقي، ج ٢، ص590)

نقل طبری از این واقعه، حاوی نکات مهمی است:

الوا ًاین ماجرا تا سه جمعه تکرار شده است: ثم قام في الجمعة الثالثة فجعلوا يتسللون ويقومون حتى بقيت منهم عصابة، فقال: «كم أنتم؟» فعدوا أنفسهم، فإذا اثنا عشر رجلا وامرأة، فقال: «والذي نفسي بيده لو اتبع آخركم أولكم لالتهب عليكم الوادي نارا». (تفسير الطبري جامع البيان ط هجر، ج ٢٢، ص646)

ثانیا ً طبق نقل دیگری از جابر بن عبدالله در شان نزول آیه، این آیه مربوط به روزه مسلمانان هنگام بردن عروس به خانه شوهر بوده است که با ساز و دهل وا را روانه می‌کردند و به محض شنیدن صدا، مردم خطبه جمعه را به سمت مجلس عروسی رها می‌کردند!

ذكر من قال ذلك حدثنا محمد بن سهل بن عسكر، قال: ثنا يحيى بن صالح، قال: ثنا سليمان بن بلال، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله، قال: كان الجواري إذا نكحوا كانوا يمرون بالكبر والمزامير ويتركون النبي صلى الله عليه وسلم قائما على المنبر، وينفضون إليها، فأنزل الله(همان، ص ۶۴۸)

تعداد افراد نزد گرچه در بیان مشهور دوازده است اما اتفاقی نیست و از ۸ تا ۴۰ عدد(که نوعا ً عدد ۴۰ را قبول می کنند) ذکر شده است. ابن عثیمین تصریح می‌کند که این افراد تعیینی نشده‌اند: ، فخرجوا حتى لم يبق معه إلا اثنا عشر رجلا، من هم؟ لم يعينوا (فتح ذي الجلال والإكرام بشرح بلوغ المرام ط المكتبة الإسلامية، ج ٢، ص326) تلاش برای تعیین افراد نزد دیدنی است که برای جا شدن همه افراد مورد نظر، مجبور به توسعه ۱۲ تا ۱۳ و ۱۴ نزد می‌شوند: (اللباب في علوم الكتاب، ج ١٩، ص94)

۲. مورد دیگر **جنگ احد** است که طبق تصریح بخاری: لم يبق مع النبي صلى الله عليه وسلم غير اثني عشر رجلا (صحيح البخاري ط السلطانية ، ج ۶؛ ص38) و همین طور: همین کتاب، ج ۴، ص ۶۶

درزمینه جنگ احد سخن فراوان است و یکی از بهترین شواهد بر مدعا. و کفی فی المقام ذکر الآیة الشریفة:« ولقد صدقکم الله وعده اذ تحسونهم باذنه حتی اذا فشلتم وتنازعتم فی الامر وعصیتم من بعد ما اراکم ما تحبون منکم من یرید الدنیا ومنکم من یرید الآخرة ثم صرفکم عنهم لیبتلیکم ولقد عفا عنکم والله ذو فضل علی المؤمنین

اذ تصعدون ولا تلوون علی احد والرسول یدعوکم فی اخراکم فاثابکم غما بغم لکیلا تحزنوا علی ما فاتکم ولا ما اصابکم والله خبیر بما تعملون »(سوره آل عمران، آیه ۱۵۲-۱۵۳)

۳. **جنگ احزاب**

طبق نقل جناب حذیفه حتی در جریان جنگ احزاب هم این ماجرا تکرار می‌شود. ایشان می‌فرماید: أن الناس تفرقوا عن رسول الله ليلة الأحزاب فلم يبق معه إلا اثنا عشر رجلا (دلائل النبوة للبيهقي، ج ۳، ص450)

۴. **جنگ حنین**

جنگ حنین، از پاسخهای روشن به این شبهه است که به‌صورت مستقل به آن خواهیم پرداخت. در این جنگ که پس از فتح مکه صورت گرفت ، از جمعیت ۱۲ هزار نفری لشگر اسلام طبق برخی از نقل ها تنها دوازده نفر در کنار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باقی ماندند: لأن الناس فروا عن رسول الله، صلى الله عليه وسلم. **ولم يبق إلا اثني عشر رجلا**(عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ۱۴، ص157)

مستندات تفصیلی مطالب بالا در پیوست شماره ۱ عرضه شده است.

در زمینه جنگ حنین و شباهتهای آن با جریانات بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن فراوان است. آیه شریفه بهترین گواه بر این مطلب است؛ با ارجاع معجمی«ثم ولّیتم مدبرین»:«لقد نصرکم الله فی مواطن کثیرة ویوم حنین اذ اعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئا وضاقت علیکم الارض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین* ثم انزل الله سکینته علی رسوله وعلی المؤمنین وانزل جنودا لم تروها وعذب الذین کفروا وذلک جزاء الکافرین * ثم یتوب الله من بعد ذلک علی من یشاء والله غفور رحیم»(سوره التوبه آیات ۲۵-۲۷)

جمعیت کثیر شرکت‌کنندگان در این جنگ(طبق نقل بخاری ده هزار نفر که به همراه طلقاء دو هزار نفری مجموعاً دوازده هزار نفر می شوند)، نزدیکی این جنگ به زمان رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و انعکاس شرایط دوره پایانی حضرت، حضور جمعیت طلقا در کنار مهاجرین و انصار نمونه روشنی برای تصویر آن دوران است.

نکته قابل تأمل در این میان این است که در اینجا حتی عدد ۱۲ نیز به کار نرفته است. ارجاع معجمی ما در این فصل عبارت است از «حتی بقی وحده». طبق تصریح بخاری و مسلم جمعیت به‌گونه‌ای حضرت را رها کردند که ایشان تک و تنها ماند:

٤٠٨٢ - حدثنا محمد بن بشار: حدثنا معاذ بن معاذ: حدثنا ابن عون، عن هشام بن زيد بن أنس بن مالك، عن أنس بن مالك رضي الله عنه قال:لما كان يوم حنين، أقبلت هوازن وغطفان وغيرهم بنعمهم وذراريهم، **ومع النبي صلى الله عليه وسلم عشرة آلاف، ومن الطلقاء، فأدبروا عنه حتى بقي وحده**، فناداه يومئذ نداءين لم يخلط بينهما، التفت عن يمينه فقال: (يا معشر الأنصار). قالوا: لبيك يا رسول الله أبشر نحن معك، ثم التفت عن يساره فقال: (يا معشر الأنصار). قالوا: لبيك يا رسول الله أبشر نحن معك، وهو على بغلة بيضاء فنزل فقال: (أنا عبد الله ورسوله). فانهزم المشركون، فأصاب يومئذ غنائم كثيرة، فقسم في المهاجرين والطلقاء ولم يعط الأنصار شيئا، فقالت الأنصار: **إذا كانت شديدة فنحن ندعى، ويعطى الغنيمة غيرنا.** فبلغه ذلك فجمعهم في قبة فقال: (يا معشر الأنصار، ما حديث بلغني عنكم). فسكتوا، فقال: (يا معشر الأنصار، ألا ترضون أن يذهب الناس بالدنيا، وتذهبون برسول الله - صلى الله عليه وسلم - تحوزونه إلى بيوتكم). قالوا: بلى، فقال النبي صلى الله عليه وسلم: (لو سلك الناس واديا وسلكت الأنصار شعبا لأخذت شعب الأنصار)(كتاب صحيح البخاري ت البغا، ج ۴، ص1576 و همین طور: كتاب صحيح البخاري ط السلطانية، ج ۵، ص160)

عبارت بقی وحده به تنهایی گویای غربت رسول خدا و تنهایی ایشان است. برخی از شرّاح هم به این نکته تصریح می‌کنند: لله الحكمة لما رشقوهم بالنبل انكشفوا {ويوم حنين إذ أعجبتكم} (الحلل الإبريزية من التعليقات البازية على صحيح البخاري، ج ۳، ص313) یا دیگری که تنها به دو نفر از همراهان حضرت اشاره دارد: يعني به: المقاتلين، وإلا فقد ثبت أنه كان بقي معه العباس وأبو سفيان.(المفهم لما أشكل من تلخيص كتاب مسلم، ج ۳، ص623)

در این میان اما تلاش‌هایی برای توجیه اصل فرار صحابه و تعداد بازماندگان صورت گرفته است که خواندنی است. مهم در این میان، توجیه مسئله فرار از جنگ است که کبیره است و با عدالت صحابه ناسازگار. در این میان توجیه طبری مورد پسند عموم واقع می‌شود که فرار این جماعت برای گردهمایی و حمله کردن دوباره بوده است نه به نیت فرار. کسی هم نیست در این میان به جنابش بگوشزد کند که این‌چنین فراری را عتابی نیست. با عتاب الهی و تصریح به «ثم ولیتم مدبرین» و مطرح کردن توبه بعد از آن چه کنیم؟

طرفه تر آنکه وقتی فرمانده لشگر مانده است و آنها را صدا می‌کند، دقیقاً کجا می‌روند که دوباره بازآیند؟! فرمان عقب‌نشینی موقت را او باید صادر کند نه اینکه او را در کام دشمنان رها سازند.

علی کل حال، سخن برخی از شراح گرچه در توجیه عبارت است، برای مقصود ما کافی است که صد نفر(در بالاترین گزارش داده شده) نیز از میان دوازده هزار نفر به‌منزله‌ٔ عدم است: وقوله: "حتى بقي وحده". قصد به المبالغة، فإن المائة بجوار الاثنى عشر ألفا في حكم العدم(فتح المنعم شرح صحيح مسلم، ج ۴، ص437)

مستندات کامل این بخش را نیز در پیوست شماره ۲ مشاهده فرمایید.

سابقه تنها گذاشتن رسول خدا به این موارد محدود نمی‌شود. یکی دیگر از عباراتی که در صحاح اهل‌سنت یافت می‌شود این عبارت است: «**لم يبق غير طلحة و سعد**»

٣٥١٧ - حدثنا محمد بن أبي بكر المقدمي: حدثنا معتمر، عن أبيه، عن أبي عثمان قال:لم يبق مع النبي صلى الله عليه وسلم، في بعض تلك الأيام التي قاتل فيهن رسول الله صلى الله عليه وسلم، غير طلحة وسعد. عن حديثهما.(كتاب صحيح البخاري ت البغا ، ج ۳، ص1363 و همین‌طور: كتاب صحيح البخاري ط السلطانية، ج ۵، ص22 و كتاب صحيح مسلم ت عبد الباقي ، ج

۴، ص1879)

بازبینی #4
ایجاد شده 4 دسامبر 2024 08:11:57 توسط khoddami
به روزرسانی شده 4 دسامبر 2024 09:14:26 توسط khoddami